یادکردی از درگذشتگان معروف سال ۱۴۰۱

آه از آن رفتگان بی‌برگشت

اولین سال قرن جدید خورشیدی سال وداع تلخ با چهره‌های بسیاری بود که مردم با آنها خاطره داشتند، چهره‌های سرشناسی که در زمینه‌های مختلف صاحب‌نام بوده و باعث افتخار ایران و ایرانیان شده بودند. محدودیت این یادداشـــت مانع از نام بردن از همه این بزرگان و صاحبان اندیشه یا هنر است، برای همین مجبور شدیم فقط به یادکرد تعدادی از این افراد بپردازیم.

علی رضاقلی
(درگذشت: ۸ فروردین)

علی رضاقلی پژوهشـگر حوزه جامعه‌شناسـی و علوم سیاسـی با دو کتاب «جامعه شناسی نخبه کشـی» و «جامعه شناسی خودکامگی» برای بسـیاری از اهالی کتاب و اندیشه معرفی شـد. رضاقلـی پیـش از انقلاب جهـت ادامه تحصیل به دانشـگاه سـوربن و سپس مدرسه سیاسـی مطالعات عالـی پاریـس رفت و در مقطع کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی سیاسی خواند. پس از انقلاب ۱۳۵۷، پایان‌نامه دکترا را نیمه‌تمام رها کرد و به ایران بازگشـت و به‌طور غیررسمی‌به مطالعه و پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسـی ایران پرداخت. با وجود اینکه عمده فعالیت‌های پژوهشـی و مطالعات علی رضاقلی به صورت غیرآکادمیک صورت می‌گرفت، اما نتایج مطالعات او از سوی مراجع دانشگاهی، اساتید و دانشجویان مورد توجه بوده و مورد نقد علمی‌قرار گرفته و مرجع بسیاری از تحقیقات حوزه علوم انسانی می‌باشند.

محمدعلی اسلامی‌ندوشن
(درگذشت: ۵ اردیبهشت)

محمدعلی اسلامی‌نُدوشَـن از نسل بزرگانی بود که در زمینه‌های علمی‌و فرهنگی مختلف صاحب عنوان و اثر بودند. او متولد ۱۳۰۳ شمسـی بود و نزدیک به یک قرن زیسـت و یادگارهای باارزش و ماندگاری از این عمر طولانی برجای گذاشـت. اسلامی‌ندوشـن در جوانی جزو شاعران صاحب نام بود، سپس در فرانسه حقوق بین الملل خواند اما در بازگشـت به ایران بـه دعوت فضل‌الله رضا به دانشـگاه تهران رفت و از اسـاتید بزرگ و بی بدیل این دانشـگاه در رشته حقوق و ادبیات شـد. ندوشن از پرکارترین ادیبان و پژوهش‌گـران معاصر ایران بود و از وی بیش از ۷۰ تألیف و ترجمه و صدها مقاله به‌جای مانده‌است.

محمود دعایی
(درگذشت ۱۵ خرداد)

حجت الاسـلام و المسـلمین دعایـی روحانی اخلاق گرا و معتدلی بود که از سویی با انقلابیون همراهی و رفاقت داشت و از سوی دیگر با اهالی هنر و ادبیات آشـنایی و مراوده داشـت. دعایی شـش دوره پیاپی نماینده مجلـس بود و بیش از چهل سال مدیرمسئول روزنامه اطلاعات بود. در همین روزنامه او مقالاتی از مرحوم سـعیدی سیرجانی را منتشـر می‌کرد و ستون «دو کلمه حرف حسـاب» کیومرث صابری (گل آقا) اولین بار در این روزنامه منتشـر شد و تا سـالها ماندگارترین و پرطرفدارترین سـتون مطبوعات بود. دعایی از جمله چهره‌هایی بود که مشـی و مرامش چنان بود که همه او را دوسـت داشتند و از الطاف او بهره مند می‌شـدند، اگرچه برخی این مشـی و مرام را محافظه کارانه می‌شمردند.

احمد مهدوی دامغانی
(درگذشت: ۲۷ خرداد)

احمد مهـدوی دامغانی از بزرگانـی بود که نه تنها در ادبیات فارسـی و عربی دکترا داشـت، که با تحصیل علـوم دینی به درجه اجتهاد هم رسیده بود. او پس از گذراندن دوره دکتری زبان و ادبیات فارسـی به عنوان استاد دانشگاه تهران بـه تدریس در دانشـکده‌های ادبیات و الهیات دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس پرداخت. از سـال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۴ در دانشگاه مادرید به تدریس ادبیات عرب و فارسـی و فقه اسلامی‌اشـتغال داشت. مهدوی دامغانی چندین سـال سردفتر اسـناد رسمی‌در تهران و از سـال ۱۳۵۴ رئیس کانون سـردفتران اسناد رسـمی‌ایران بود که همین موضوع باعث شد پس از پیروزی انقلاب مورد قهر واقع شـود. او از سال ۱۳۶۶ مقیم آمریکا و در دانشگاه‌هاروارد و دانشگاه پنسـیلوانیا مشـغول به تدریس در مقطع دکترا و پست دکترا بود. رشته‌های تدریس او در آمریکا شامل: ادبیات عرب، ادبیات فارسی، کلام، فقه و برخی علوم اسـلامی‌بودند. اما وی همیشه آرزوی بازگشت به وطن را داشت که تا اخرن روز حیات این امکان را برایش فراهم نکردند!

هوشنگ ابتهاج
(درگذشت: ۱۹ مرداد)

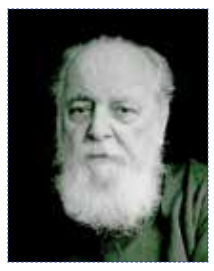

هوشـنگ ابتهاج با تخلص «ه. الف. سایه» یکی از بزرگتریـن، ماندگارتریـن و پرطرفدارترین چهره‌های شـعر معاصر ایران بـود. غزل‌های او به عنوان سرمشـق و نمونه ای از سـبک تازه و بروزی از این سـبک شعر سـنتی ایران است. تعـدادی از غزل‌ها، تصنیف‌ها و اشـعار نیمایی او را هنرمندانـی نظیـر محمدرضا شـجریان، احمدظاهـر، علیرضا افتخاری، شـهرام ناظری، حسـین قوامی‌و محمد اصفهانی اجرا کرده‌اند. تصنیف خاطره‌انگیز تو ای پری کجایی و تصنیف سپیده (ایران ای سرای امید) از اشـعار سایه اسـت. او در رادیو از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ سرپرست برنامه گل‌ها و همچنین پایه‌گذار برنامه موسـیقایی گلچین هفته بود. سایه در اوایل انقلاب به زندان افتاد اما معروف است که با وساطت شهریار آزاد شد.

عباس معروفی
(درگذشت: ۱۰ شهریور)

عباس معروفی داسـتان نویـس و روزنامه نگار معروفـی بود که روزگاری مجلـه «گردون» را تهران منتشـر می‌کرد که از مهمترین نشریات ادبـی دهه ۷۰ بود. سیاسـت اما به پر و پای او پیچیـد و او مجبور به ترک وطـن و اقامت در آلمان شـد. اگرچه برخی افـراد او را به عنوان چهره ای سیاسـی معرفـی می‌کنند اما ارزش کارهای ادبی او و بخصوص رمان‌های او به اندازه ای است که این آرزوی محال را شـکل می‌دهد که کاش او تمام انرژی و استعداد خود را در این زمینه به کار می‌گرفت و آثار بیشتری از خود به جای می‌گذاشت. مشهورترین رمان معروفی «سمفونی مردگان» است که چاپ‌های متعدد شده و برنده جایزه سال ۲۰۰۱ از بنیاد انتشارات ادبی فلسفی سورکامپ شده‌است.

امین تارخ
(درگذشت: ۲ مهر)

بازیگر بزرگ، اخلاق گرا و شاگردپروری که به عنوان یکی از چهره‌های برتر احیای تئاتر ایران شناخته می‌شد در روزهایی درگذشت که کشـور درگیر بحران شکل گرفته پس از درگذشت مهسـا امینی بود و شاید همین امر باعث شـد که آن چنان که شایسته نام و جایگاه هنری اش بود، با او وداع نشود. او در سال ۱۳۷۳ نخستین مدرسه بازیگری را به نام کارگاه آزاد بازیگری در تهران تأسیس کـرد که یکی از برترین مؤسسـات آموزش بازیگری سینما در ایران محسـوب می‌شود. تعدادی از دانش‌آموختگانِ کارگاه آزاد بازیگری تا سـال ۱۳۸۷ جوایز هنرپیشه برتر در رویدادهای گوناگون را به خود اختصاص داده‌اند. حبیب رضایی، مهتاب کرامتی ، ترانه علیدوستی ، پوریا پورسـرخ ، گلاره عباسی و شـبنم مقدمی‌از جمله دانش‌آموختگان این مدرسه بازیگری هستند.

کریم باوی
(درگذشت: ۱۶ آذر)

سـالها بود کـه از بازیکن بلندقـد و گلزن سـالهای نه چندان دور پرسـپولیس و تیم ملی فوتبال خبری نبود. کریم باوی بیشـتر دوران حرفه‌ای خود را در دو باشگاه فوتبال شـاهین و پرسپولیس سپری کرده بود. او با وجود مدت کوتاه بازی برای تیم ملی فوتبال ایران، یکی از موفق‌ترین مهاجمان تیم ملی بوده‌اسـت. کریم باوی با به ثمر رساندن ۱۰ گل در ۲۳ بازی ملـی آمار خوبی را از خود بر جای گذاشته است. او برای ضربات سرش شهرت داشت. باوی در هنگام جنگ ایران و عراق با خانواده‌اش از آبادان به اهواز و سپس به اصفهان و تهران آمد. او فوتبال را تحت نظر پرویز قلیچ‌خانی آغاز کرد اما مدتی بعد به جنگ رفت و در عملیات والفجر مقدماتی مجروح شد. باوی از زمان جنگ دو ترکش در بدنش ماند و از لحاظ جسـمانی اوضاع خوبی نداشت. او با توصیه امیر قلعه‌نویی به تیم شـاهین پیوست. او پس از حضور در شاهین، توسط ناصر ابراهیمی‌برای تیم ملی انتخاب شد.
درگذشـت او یکبار دیگر نام او را به فوتبال دوسـتان یـادآوری کرد؛ نامی‌که روزگاری طرفداران بسیاری داشت اما بیرحمانه فراموش شد.

عباس شیبانی
(درگذشت: اول دی)

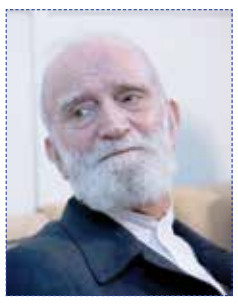

پزشک ساده زیستی که از جوانی و با نهضت آزادی وارد دنیای سیاسـت شـد اما بعد از انقلاب از این تشـکل سیاسی جدا شد و به اصولگرایان پیوسـت. او پیش از انقلاب با ۹ بـار محکومیت ۱۳ سـال از عمر خود را در زندان گذرانید. مرحوم شیبانی بعد از انقلاب و در دولت موقت وزیر شـد، اما بیشـترین حضورش بـه عنوان نماینـده مجلس (۱۹ سال) و عضو شورای شهر تهران (۱۴ سال) بود. در انتخابات ریاسـت جمهوری سـال ۱۳۶۸ او تنها رقیب علی اکبرهاشمی‌رفسـنجانی بـود که در تبلیغات رادیویی خود اعلام کرد که خودش هم به‌هاشمی‌رفسـنجانی رای می‌دهد؛ و شاید این موضوع گویای روش سیاستمداری خاص و کمی‌نامتعارف او بود.

سید جواد طباطبایی
(درگذشت: ۹ اسفند)

سید جواد طباطبایی استاد دانشگاه و متفکر و روشـنفکر بزرگی بود کـه در زمینه‌های تاریخ، فسـلفه و سیاسـت صاحب نظر بود. او واضـع نظریه مجادله‌برانگیـزی در مورد انحطاط جامعه و اندیشه سیاسی در ایران در چند قرن اخیر بود که با عنوان «ایرانشـهر» مشهور است. او صاحب نشان نخل آکادمیک از دولت فرانسه، مدال نقره تحقیقات در علم سیاست از دانشگاه کمبریج و نشان برگزیده جشنواره بین‌المللی فارابی بود. طباطبایی در دانشگاه تهران هم تدریس داشـت و صاحب تالیفات بسیاری است که میراثی ماندگار از این متفکر بزرگ است.

حسن غفوری فرد
(درگذشت: ۱۸ اسفند)

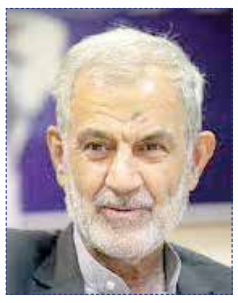

دکتر غفـوری فرد دکتـرای فیزیک ذرات هسته‌ای از دانشگاه کانزاس آمریکا داشت و استاد تمام دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی امیرکبیر بـود، اما بیش از اینکه به عنوان چهره ای دانشـگاهی شناخته شود، چهره ای سیاسـی و ورزشـی بـود. او در دولـت مهندس موسـوی، وزیر نیـرو و در دولت‌هاشمی‌رفسـنجانی رئیس سـازمان تربیت بدنی بود. با این حال به عنوان چهره ای اصولگرا اما معتدل شـناخته می‌شد که گاه مواضعی منحصر به فرد داشت. او در انتخابات ۱۳۸۸ رسما اعلام کرد که به مهندس موسوی رای داده است.

«فرید دهقانی» استراتژی صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی را تشریح کرد

حمایت اصولی و حداکثری از معدنکاران

صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی به منظور تحقق توسعه پایدار در بخش معدن، ایجاد تضمین و امنیت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های معدنی و همچنین هدایت و راهبری این سـرمایه‌گذاری در راستای اهداف کلان کشور در سال ۱۳۸۰ تاسیس شد. این نهاد، ریسک سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف، استخراج و فرآوری مواد معدنی را پوشش می‌دهد و درخصوص تسهیلات وام بانکی با دستگاه‌های تسهیلات دهنده و بانک‌های عامل هماهنگ بوده و هرگاه دستگاه تسهیلات‌دهنده بخواهد وام خود را با ریسـک‌پذیری صندوق بیمه به متقاضی پرداخت کند، از سوی صندوق همکاری‌های لازم به عمل می‌آید. فرید دهقانی، مدیرعامل صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی در گفت‌وگوی زیر ضمن ارائه عملکرد صندوق در سـال‌های گذشته، سیاست کلی صندوق در زمینه حمایت از معدنکاران را تشریح و افق پیش‌روی این بخش برای سال ۱۴۰۲ را ترسیم کرده است.

در ابتدا به تاریخچه‌ای از ضرورت شـکل‌گیری و نحوه ایجاد صندوق بیمه سـرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی اشـاره کنید. چه عاملی باعث شد که در حوزه معدن و صنایع معدنی چنین نهادی تاسیس شود؟

در بررسـی تاریخچه این نهاد باید بگویم که اساس شکل‌گیری صندوق بیمه به پوشش ریسک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش معدن علی‌الخصوص اکتشاف معادن برمی‌گردد. در آن مقطع با توجـه به تصمیم حاکمیت برای ورود بخش خصوصی به حوزه معدن و لزوم سـرمایه‌گذار در اکتشـاف توسط بخش خصوصی به عنوان یک بخش کامل در سرمایه‌گذاری و واگذاری معادن بزرگ مقیاس به واسـطه قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، در ابتدای دهه ۸۰ به این فکر افتادند که اگر بخواهیم بخش خصوصی را ترغیب به سـرمایه‌گذاری در بخش معدن کنیم، اساسـا ریسک‌های ذاتی مترتب بر بخش معدن را بایـد از لحاظ عقلایی و از منظر حاکمیتی پوشـش و مدیریت بکنیم؛ یعنی ریسـک هجینگ داشته باشـیم و هم شیفت به سمت حاکمیت بکنیم برای اینکه بخش خصوصی ترغیب بشود در اکتشاف سـرمایه‌گذاری انجام شود و به واسطه آن استخراج و بهره‌بـرداری از بخـش معـدن افزایش پیدا کنـد. به همین دلیل صندوق بیمه در آن مقطع و در سـال ۱۳۸۰ با نوشـتن آیین‌نامه‌ای با این مضمون با سرمایه ۱۰ میلیارد تومان تشکیل شد. این اساس شکل‌گیری صندوق بیمه است.

بعد از آن سـال‌ها، دولت تصمیم می‌گیرد که از سرمایه‌گذاری در بخش اکتشـاف حمایت مالی هم بکند. به بخش خصوصی پالس مثبت می‌دهد که اگر شما بیایید در بخش معدن در حوزه اکتشاف و در حوزه بهره‌برداری فعالیت بکنید، ما می‌توانیم علاوه براینکه سرمایه‌گذاری شما را مورد بیمه قرار می‌دهیم و حمایت می‌کنیم و اگر سرمایه‌گذاری‌تان به لحاظ تکنیکال به نتیجه‌ای نرسـید و منجر به یک محدوده و پتانسیل با قابلیت معدنکاری نشـد، ما ۸۰ درصد پول شما را سوخت می‌کنیم، در عین حال ما از محل وجوه در اختیار و وجوه اداره شـده و کمک‌های فنی و اعتباری سـازمان برنامه (کـه در این مقطع نقش پررنگ‌تری داشـت) می‌توانیم بخشی از سـرمایه‌گذاری را به عنوان تامین منابع مالی ارزان قیمت در اختیار شـما قرار دهیم. بنابراین یک شـاخه دیگری به آن اضافه شد و بخشـی از تامین منابع مالی اکتشاف در معادن کوچک مقیاس را در اختیار گرفتند.

در سال‌های بعدی یعنی سـه چهار سال بعد به واسطه ورود و حضور بخش خصوصی در معدنکاری و به واسطه ایجاد واحدهای فرآوری کوچک مقیاس و دیدند که ما به منابع مالی نیاز داریم. من یادم هست در آن مقطع در مرکز پژوهش‌ها حساب کردیم که سـهم بخش خصوصی معدن از منابـع مالی بانک، و میزان برخورداری بخش خصوصی معدن از منابع بانکی به شـدت کم بـود. (در آن مقطع می‌توانیم بگوییـم ۹۵ درصد از بازار تامین منابع مالی کشور را بانک‌ها تشکیل می‌داد و بازار سرمایه به آن صورت متشـکل نشده بود و حجم بازار سرمایه کم بود). اساس این کم بودن و یکی از دلایل کم بودن این سـهم برمی‌گشـت به نـوع دارایی‌های بخش معدنی که از لحـاظ تضامین بانکی جزء تضامین نوع اول و نوع دوم محسـوب نمی‌شـدند. اساسا دارایی‌هـای بخش معدن مخصوصا بخـش خصوصی ۱) پروانه بهره‌برداری بخش معدن و ۲) ماشـین آلاتی اسـت که در آنجا کار می‌کند.

اینهـا از لحاظ بانکی و از لحاظ حقوقی جـزو دارایی‌های قابل قبول توثیقی محسوب نمی‌شوند و به همین خاطر است که در سـال ۱۳۹۰ و در اصلاحیه قانون معادن در یکی از مواد آوردیم که پروانه بهره‌برداری قابل توثیق اسـت؛ ولی از حیث حقوقی و از حیـث بانکی عدم توثیق این پروانه‌هـای بهره‌برداری قابلیت دفاع دارد چون عین مال مرهونه حفظ نمی‌شـود و ماهیت مال مرهونـه در طول زمان تغییر ماهیت می‌دهد. بعد از آن صندوق برای کسـانی که پروانه بهره‌برداری داشتند و به اصطلاح جواز تاسیس یا ماده ۹۰ برای فرآوری داشتند، منابع مالی و حمایت مالـی در نظر گرفت؛ یعنی دارایی‌های معدنی را در نزد صندوق به واسطه اساسنامه و به واسطه آیین‌نامه اجرایی قانون معادن با کمک شـورای عالی معادن قابل توثیق کردند و صندوق کم کم وارد این بحث هم شد. یعنی وارد قرارداد با بانک‌های عامل شد و یک خط اعتباری ایجاد کرد به واسـطه منابعی که در اختیار داشـت و برای معدن و صنایع معدنی کوچک مقیاس هم خط اعتباری راه‌اندازی شـد که به واسطه بیمه‌نامه اعتباری صندوق ایجاد / تامین منابع مالی بکنند.

صنـدوق وارد تفاهم‌نامه قـرارداد با بانک‌های عامل شـد و با سـپرده‌گذاری‌ای که نـزد بانک‌های عامل داشـت، ایجاد خط اعتبـاری برای بخـش خصوصی کـرد و از آن مقطع، دیگر ما وارد سـه بخش شـدیم ۱) اکتشاف ۲) اسـتخراج ۳) فرآوری در حوزه‌هـای مختلـف، این کلیه کار صنـدوق در بدنه بخش معدن کشور اسـت. ولی به واسطه پتانسیل و ذخایر معدنی‌ای که در داخل کشـور وجود دارد و به واسـطه سـودآوری‌ای که علی‌الخصوص در بخش فلزی وجود دارد، سرعت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خصولتی‌های داخلی در بخش معدن بسیار بسـیار بیشتر از سرعت رشـد صندوق بود؛ یعنی ظرف صندوق متناسب با مظروف بخش معدن و پتانسیل‌های معدنی در داخل کشور نبود و نتوانست خودش را همسان با رشد بخش خصوصی رشد دهد.

از سال ۱۳۹۶ به بعد، ما عملا دیدیم که این ظرف دیگر هیچگونه تناسبی با میزان سـرمایه‌گذاری لازم و ظرفیت سرمایه‌گذاری لازم ندارد و نوع حمایت‌های ما اساسـا یکسـری حمایت‌های کوچکی محسـوب می‌شـود. بنابراین اقدام به افزایش سرمایه کردیم و از ۱۰ میلیارد تومان رساندیم به ۱۱۰ میلیارد تومان و از ۱۱۰ میلیارد تومان هم به ۱۴۲ میلیارد و ۳۰۰ و بعد رساندیم به ۵۰۰ و بعد ۱۶۰۰ و الان داریم می‌رسـانیم به ۵۰۰۰ میلیارد تومان. ولی با رسـیدن به ۵۰۰۰ میلیـارد تومان در بدنه بخش معدن چه اتفاقی می‌افتد؟ به واسطه این ۵۰۰۰ میلیارد تومان ما می‌توانیـم ۳۵ هزار میلیارد تومان بخش معدن را حمایت کنیم به واسـطه مجوزی که بانک مرکزی برای ما اعطا کرده اسـت. بنابراین اگر ما ۵ هزار میلیارد تومان را در سـال ۱۴۰۲ بتوانیم ثبت بکنیـم، عملا می‌توانیم بگوییم که ۳۵ هزار میلیارد تومان در بخش خصوصی و کوچک مقیاس می‌توانیم حمایت کنیم و پتانسـیل آن را داریم. حالا در عمل چه اتفاقی می‌افتد، این هم یک موضوع دیگری است.

رسالت «صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی» کاهش ریسک سرمایه‌گذاری اکتشاف و پروانه بهره‌برداری از طریق ارائه خدمات ذیل است:

الف- ارائه پوشش‌های بیمه‌ای در جهت ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری (بیمه‌نامه‌های سرمایه‌گذاری) شامل:

*** پوشـش‌های بیمه‌ای برای خطراتی که منجر به توقف کامل و دائم عملیات اکتشاف، بهره‌برداری، کانه‌آرایی و فرآوری مواد معدنی می‌شود**

*** پوشـش‌های بیمه‌ای برای خطراتی که موجب توقف عملیات اکتشـاف، بهره‌برداری، کانه‌آرایی و فرآوری مواد معدنی می‌شود**

*** پوشـش‌های بیمه‌ای جهت خطرات عدم حصول نتیجه پیش‌بینی شده در طرح عملیات مصوب اکتشاف و تجهیز و آماده‌سازی معادن**

*** پوشش‌های بیمه‌ای برای خطرات غیر اقتصادی شدن طرح عملیات استخراج، کانه‌آرایی و فرآوری مواد معدنی**

ب- فراهم آوردن امکانات جهت تامین منابع مالی مورد نیاز سرمایه‌گذاران بخش معدن با صدور بیمه‌نامه‌های اعتباری

ج- ارائه مشاوره، راهنمایی و پیشنهادهای مناسب به معدنکاران برای اتخاذ بهترین تصمیمات در زمینه فعالیت‌های معدنی

فعالیت صندوق در این عمر ۲۰ ساله، به هر حال با یکسری رخدادهایی اقتصادی و سیاسـی همراه بوده است؛ مثل چالش تحریم‌ها، کمبـود نقدینگی و یا موضوعاتی مثل ممنوعیت واردات ماشین آلات معدنی. دراین بازه زمانی فراز و نشیب‌های صندوق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در صندوق شـاید پرچالش‌تریـن مقطع از اواخـر دهه ۸۰ تا اوایل دهه ۹۰ بوده به واسـطه اینکه صنـدوق وارد یک قرارداد پنج جانبه‌ای شد که یکسری ماشـین‌آلاتی به واسطه صندوق خریداری شـد و آن را به معدنکارانی که در آن مقطع به واسطه اجرای پروژه‌های مسکن مهر می‌خواستند در معادن شن، ماسه و سنگ لاشه فعالیت کنند، دادند.

بعد از تعطیلی مسـکن مهر، عملا این معادن کوچک با مشکل عدم تقاضای موثر مواجه شـدند و این عدم تقاضای موثر منجر به تعطیلی آن معادن شد و اینها نیاوردند اقساطشان را پرداخت کنند و صندوق در آن مقطع واقعا با یک چالش عجیب و غریبی مواجه شـد. جبران این چالش در سال‌های بعدی واقعا صندوق را با یک بحران نسـبی مواجه کرد و مدیران قبلی و قبل از من واقعا تلاش موثری کردند. توانسـتند مدیریت کنند و به نحوی آن را جمـع کردند و تتمه‌اش هم به من رسـید و من هم که آمدم توانسـتیم این مبالغ را تسـویه کنیـم. البته این موضوع نباید با وظیفه حاکمیتی صندوق قاطی شـود. شاید این سوال پیش آید که وظیفه صندوق انتقال ریسـک سـرمایه‌گذاری به حاکمیت است، ولی توجه داشته باشید! اینکه صندوق بخواهد ریسک سرمایه‌گذاری در بخش معدن را به سمت خودش شیفت بدهـد، جزو یکی از ارکان صنـدوق و یکی از اهداف حاکمیتی صندوق اسـت؛ ولی این نکته را باید در نظر بگیریم که باتوجه به سیاسـت‌های معدنی‌ای که در میان مدت، کوتاه مدت و بلند مدت تعریف می‌شود، جنس سرمایه‌گذاری در انواع مواد معدنی مختلف را باید مد نظر قرار دهیم. یکسری از سرمایه‌گذاری‌ها در مواد معدنی مختلف باتوجه به جغرافیا و پتانسیل آن معدن ذاتا نباید صورت بگیرد. اصلا سرمایه‌گذاری در بخش معدن به عنوان سرمایه‌گذاری کوتاه مدت نباید نگاه شود. این نکته‌ای هست که باید به آن توجه شود (میان مدت و بلند مدت). در یکسری مواد معدنی در داخل کشور باتوجه به پتانسیل و جغرافیا و باتوجه به بازاری که در حال حاضر در ۱۰ سال آینده و در بلندمدت داریم، نمی‌بایستی قاعدتا سرمایه‌گذاری صورت بگیرد.

در چه معادنی؟

مثلا یکسـری از سنگ‌های لاشه در یکسری از مناطق که وقت تقاضای موثر و پایداری ندارند با یکسری از مناطق و یکسری از پتانسیل‌های فلزی دارای پتانسیل معدنی به شدت کم و دارای زیر ساخت به شـدت کم. علم اقتصاد می‌گوید با منابع محدود برای خواسـته‌های نامحدود باید بهینه برنامه‌ریزی کنیم و آنها را تخصیص دهیم. ایجاد زیرسـاخت در شرایطی که محدودیت منابـع برای حاکمیت وجود دارد، باید اولویت‌بندی شـود. این ایجاد زیرسـاخت می‌بایستی متناسب با شناسایی پتانسیل‌های معدنـی با اولویـت میان مدت و بلند مدت و بـا اولویت میزان پتانسیل باشد. هرگونه خطا در تخصیص منابع منجر به هدررفت منابع می‌شـود. خب منابع ما هم محدود است و می‌بایست این سیاستگذاری صورت بگیرد.

این ملاحظات را چگونه و در قالب کدام برنامه اجرایی در صندوق اعمال می‌کنید؟

اساسـا می‌توانیم به صورت شفاف بگوییم که تقریبا منابع‌مان را هدایت کردیم به سمت استخراج بهینه پتانسیل‌های اقتصادی معدنی مواد فلـزی و تحقق نهضت فرآوری برای مواد فلزی که قابلیت فرآوری دارند و در مقیاس خودش، اقتصادی محسـوب می‌شـوند حتی در قیمت‌های حدی. چون شـما می‌دانید که سـیکل‌های تجاری‌ای که بخش معدن و مواد معدنی و در کل کامودیتی‌های معدنی از آن متاثر هست، یک سیکل‌های تجاری جدی اسـت یعنی مـواد معدنی در بازار جهانی از یک سـیر و روند خاصی در سـیکل‌های تجاری مختلف تبعیت نمی‌کنند. ما مس سـه هزار دلاری هم دیدیم، مـس ۱۱ هزار دلاری هم دیدیم و احتمال دارد مس ۱۵ هـزار دلاری هم ببینیم. زمانی که ما در یک پتانسـیلی به صـورت بلند مدت می‌خواهیم فکر و سـرمایه‌گذاری کنیـم، باید قیمت‌های حدی و یا متوسـط قیمت‌هـای حدی در ۱۰-۱۵ سـال اخیر و پیش‌بینی‌هایی که برای آینده صورت می‌گیرد را مدنظر قرار بدهیم.

از این حیث بله، من می‌توانم ادعا بکنم در دوران مدیریت ۵ ساله من این را مدنظر قرار دادیم. برخی از معدنکاران هم از دسـت مجموعه ناراحت شدند که چرا مثلا گزارش ما رد شده یا قابلیت ندارد که شما بیمه‌نامه صادر کنید و ما را به بانک معرفی کنید. به همین خاطر است که ریسک نکول ما در طول این پنج سال ۰/۳ (سه دهم) درصد اسـت. در نظر داشته باشید که متوسط نکول بانکی بـا در نظر گرفتن تجدیـد قراردادها و جابه‌جایی قراردادها از سرفصل گذشـته به جاری، بالای ۱۰ درصد است. ما حتی به نیم درصد هم نمی‌رسـیم. دلیل آن هم این اسـت که اساسـا معتقدیم سرمایه محدود بخش خصوصی می‌بایست در پتانسیل‌هایی سـرمایه‌گذاری بشود که قابلیت تاب‌آوری در قیمت‌های حدی جهانی را در میان‌مدت داشـته باشد. این یک تئوری پذیرفته شده اقتصادی است.

ادامه در صفحه ۱۱